

هفته نامه نویسنده

(وابسته به حزب توده ایران)

سال چهارم، شماره ۶۲، شماره ۱۳۵۷

توطئه جدید ارتجاع و امپریالیسم و دورنمای جنبش انقلابی خلق

حاکم سرود. هرگز نخواهد جلوی مراسم این کشوردین ملی را بگیرد. سوسی از گوروزیسی را که به شوکری آن مقنن شده خواهد بود.

تکلیف ما جنبش دولتی و ملی است که باید برکوار استبداد سلطنتی که در عین حال خصم مریان حفر فارنگرانده امپریالیسم در میهن ما است گذارند شود. اما این ما جنبش دولتی چگونه چیزی است؟ لنینیستی گوید: "از مهم ترین مختصات ما جنبش دولتی وجود دولت است: دستگاه اداری و ارتش دائمی (دولت انقلاب)

جنبش دولتی است که در ایران، در باره آن عنوان یک نهاد خودمؤکراتیک و قرون وسطی پورکرز نقل توطئه های ضد ملی و ضد خلق، حاکم مملکت سوسی فواین سنگران سگروب و کشته های که برای او م اختناق به تحویل رسیده و به صورت دشت تیزیز فادترین اقلی طبقه حاکمه زیرکوی مردم فزار می آورد. بوروکراسی اداری حاکم بر کشور کشته می آید و با زتاب روح و عظمت دارنده حاکم استبداد استبداد اداری حکومت استبداد اداری است به امپریالیسم را تسم می دهد. اما ارتش دائمی که به مثابه جانی رژیم و تکیه گاه اصلی است امپریالیسم و جنبش دولتی نظیر ما و اگر در دست دارد که در جنبش ترین و هرناسک ترین سدان رژیم است. این ارتش با این که بدنه آن توده ای است و طبقه بندی شده است از زحمتکشان شهریور است و فرزندان آن طبقه های کار می شود، به خاطر سلطه امپریالیسم با حدود ۶۰ هزار گارگانش و مستشاران روس و ویران امریکایی بر آن و انضباط کورگوانه و سینه واری که برای آن است و فرماندهی که به فادترین و انگلسواره ترین جناح ها و اقلی طبقات حاکمه (یعنی سرمایه داران بزرگ و زمین داران کلان) تعلق دارند عمیقاً ضد ملی و ضد خلقی، به حاکم وسی رمح و خطرناک است.

هنوز ما ساگرای ربه و هتک با یک جنبش ما جنبش دولتی حفظ و حرمت رژیم و سرچشمه سیاست های ضد ملی، کودتای امپریالیستی، فسادناشی و اختناق، یعنی دیگوری ندارد. دولتی که محصول طبیعی یک حاکم و سوادزلی ملی و انقلابیست در نظم و انضباطی که ما جنبش دولتی موجود است راه حرکت درسی او در جنبش ما میجویم تا جزو سرانجام جز عسوی ارتش این بن کن خوره و فسادناشی غیر استخوان از معنی نمی تواند شد اگر انقلاب است و حتی تشمین کننده ایران را از دیدگاه حاصل لیح استراتژیک و منافع جهانی امپریالیسم و در آن امپریالیسم از یک طرف و رژیم فواین دولتی بودن مبارزه ای را که مردم در پیش دارند و انواع تحریم و تخریب و دسائی را که باید از سر بگرداند به نظر می آید.

ایران بزرگترین خریدار سلطه غرب امپریالیستی از همه ترین بازارهای آن و پانگانه و دورنمای انقلاب و چنانچه امپریالیسم علیه جنبش های آزادی بخش ملی در غاروسیه و مدخله اقیانوس هند است.

اگر ایران از دست امپریالیسم برود، صنایع عمده ای در غرب امپریالیستی نیز از این فلاح میبند. پشت صحنه اسرائیل، افریقای جنوبی، ژرمنی و رژیم های فوین و فوینت ای نظیر مصر و اردن و عمان خالی می شود. تضاد منطقه به هم می رسد و تا من نشت میوردن رژیم های نژاد پرست افریقا و اسرائیل میبویست در اقلی حادی می شود. اگر یک قدرت احتمالی فادامپریالیستی در ایران روی کار آید، قادر است با سستی راه ای خلیج که در دره منابع انرژی اروپای غربی و ژاپن از آن عبور می کند، این معادن را از برای در آوردن اقتصاد امپریالیسم فراهم بیزد. راهی از دست دادن ایران از نظر گاه غرب امپریالیستی بسی بیشتر از این است. آیا می توان تصور کرد که چنانچه برای این حفظ هرزه و هرزه از این منافع حیاتی انشوع تمهید و تریک و توطئه ها را به کار بندند و اگر ضرورت افشاحتی بر سر آن به فضا های خطرناک دست نزنند؟

به نظری آن یک دولت شورویست با یک جنبش کوتاه مدت هم برای رژیم وهم برای جنبش است. این آزما پیش دموکراسی نیم بند و گول زنگ در شرایط طوفانی جامعه ما که تضادهای عمیق و بحرانی است علاج ناپذیران راه مرحله شدیدترین انضباط ریانی است تنها مداخلات فطنی را چند صیای به تخریب می اندازد. جنگ بی رحمانه ای که رژیم و سرکشته و ضد خلقی به مردم مستبد و سلطنتی میباید محمول کرده و با وضع ترین قتل عام ها و وحشیانه ترین شیوه های سرکوب همه راه ها و امکانات مبارزات ما سمت آمیز راه بن نیست گذارنده است، با ادا به حیات رژیم شاه حتمی اگر لویوی سرخرمن شاه در آن می نیاید با زهم بدت و شدت بیشتر شیله و رخا داشته. در این روند ناگزیر روز شوره های قهرآمیز تر مبارزه به صورت برجسته ترین و فاش ترین شیوه های راه قضای جنبش انقلابی جلوه می کند و ساله اساسی و حیاتی ما یکی برای تیرید مسلمان شده است در دستنبروز و زده و برینا به مثل احزاب، سازمان ها، و گروه های سیاسی رزمنده و انقلابی قوامی گیرد.

در چنین شرایطی است که اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک برای فایق آمدن بر امپریالیسم و طرف مبارزه و آمادگی برای بیگانه رده و انقلابی استبه ضرورت با زهم مبرم شرقی کسب می کند.

و ریشه های مری و ونا مری امپریالیسم که در تمام شئون میهن ما دیده، جامعه عمل پوشانده و هر نوع دعوی و نظ و خطبای به نقد محدود نشان دادن این واقعیت تنها مرفعی برای پاشیدن آب سردی است که در جنبش ملی و دموکراتیک خلق های ما است.

در عین حال نباید جدا راین بدبینی و افراط گری شد که سرخ حرکت و تشبیر و تشبیل سیاسی و اجتماعی را ختنه در میان پنجه امپریالیسم و ارتجاع خطی سراغ گرفت. چنین بدبینی برپا دادن به خصم و بی اعتقادی و بنا بر روی به پیروزی و راهگشایی مردم و جنبش است.

تکلیف دولت نظامی و نظامی ها و تکیه دموکرات ما با نه دولت جدید و پذیرش تشبیر است. اگر چه سطحی و کم محتوات در قالب و محتوای رژیم، شره همه آن خون های متبرکی است که در دستگزار دیوین ریخته شده، و دست او دنا تمام آن توانایی خردمندی است که با متوجه ترین اشکال مبارزه، از امتصا با تسمیه و اقتصادی ملیونی گرفته، تا نظامی ها و سازمان های سیاسی در پیش تمام ها، فلاح کسردن میبویست که حای نظامی - به ارتش و صحنه سیاسی و روانی - و گاه حای نظامی - به ارتش و صحنه سیاسی و تکیه گاه ها و مواضع رژیم - جنبش انقلابی را بر سر توان و ارتجاع ضد مردمی را دم به دم مفلوک تر و مسائل ترمی سازد. از این پیروزی تاریکی، هر قدر هم که کمترین محضو باشد، برای خیزمندی جنبش، برای عشق و بهمان دادن به آن، به پیوسته برای جبران و ترمیم تاریخی و محدودیت سازمان که در این همه است، جنبش میبویست و محدودیت سازمان های سیاسی رزمنده (که به مثابه چشم افشاحی است) باید بود جست.

وقت تنگ است و کار فراوان در زمینه ایجاد هماهنگی سازمانی و اتحاد عمل نیروهای مختلف ملی و دموکرات و فراوانی هم در زمینه سازماندهی هر چه گسترده تر طبقه کارگران بر این معنای بزرگ ترین و بیکترین طبقه انقلابی و معتبرترین - پختوانه جنبش در پیش است.

حتی لحظه ای فوین در نظر میبویست. مبارزه انقلابی و غرقه در خون و رنج مردم به آغاز خود نزدیک است از فرجام خوبی است. آنچه در برابر انقلاب است بزرگ کردن و مشاطه گیری چهره رژیم توسط دولت های نظیر دولت پانگانه که با آن به بازارهای سیاسی می پردازند نیست، بلکه نابود کردن رژیم است و در هم شکستن کامل ما جنبش دولتی آن.

انقلاب اگر انقلاب باشد به قول مارکسیس نمی تواند ما جنبش دولتی حاضر و آماده ای تصرف نماید و آن را برای مقاصد خودی به کار آید. مریزندی انقلاب با فرمیسم، سازش طبقه ای که به چشم ای مردم انقلابی خاک که میباید در آن تحصیل سنیادی که نظام کینه ورزیم فرسوده و رنگ زده را از بیخ و بن فرومی افکند تا راه نوا پختوانه را بگشا بدد و اینجاست. انقلاب ما جنبش دولتی را در هم می شکند، فرمیسم به سوزی آن می پردازد. لنین می گوید: "سرمواد انقلاب را ادا ریه سرکوشانم نیروی مبرم علیه قدرت دولتی میباید. انقلاب کارگری است و طبقه خود را تخریب و نابودی ما جنبش دولتی قرار دهنده به پیروی این ما جنبش (دولت و انقلاب)

و اگر آقای پانگانه به رنگ آمیزی و تزئین ما جنبش دولتی برخاسته درست به همین دلیل است که از مویع فرمیسم و سازگاری که در سرش توی غور امپریالیسم نیم خوره است، عمل می کند تا آن نردن این ما جنبش که در واقع صمرا ارتجاع سلطنتی و منافع بی بند و بار امپریالیسم حاکمی است تسلط جویم می کند.

فرمیسم از این زاویه حتی ما سازگاری هم نیست. خیانت به آرمان های انقلاب پر خون و توانی است که با نیروی استوار و میلبون ها رزمنده برای ایجاد تحولات سنیادی در جامعه ما خیز برداشته است و در این جهاد هزاران داغ بر دل و هزاران زخم بر سینه دارد. تشبیرات فرمیسمی در چهار حوب دولتی نظیر پانگانه با همه مدد دیت های آن، اگر چه دوسال پیش که جنبش انقلابی در میهن ما هنوز به این حد از اعتلا و شور و خیز رسیده بود می داد به هر حال فرم بود و نه خیانت. اما راه شدن ناگهانی یک اثر فادامپریالیسم در دهه دوازدهم جنبش ملی و دموکراتیک به صحنه قدرت دولتی در این دهه یک انقلاب ثانویه های استبداد و اختناق درباری و امپریالیسم فارتگرو میباید در امتزاج کرده و در آن رخی های عمیق انداخته است از نقطه نظر شخصی آقای پانگانه جز خیانت و انحطاط امپریالیسم جز یک عقب نشینی برای حفظ منافع است امپریالیسم خود شمشیر دیگری ندارد.

جنبش انقلابی ایران این همه خون نداده، این همه شکنجه و زندان و تشبیر و طغیان تحمل نکرده، این همه مجروحیت تشبیه، اعتصاب نکرده، به نظامی ها و میلبونی نیاید، در گورستان های پر طول و عرض شاهی خودا شک و گل و غم راهی هم میبویست تا جایی بپوشین نظامی آزادی، کفش و کتبی زده آقای پانگانه را بپوشد.

رژیم کوشی به با شاه و به بدون شاه از نظر مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

انقلاب در خون شهدای خود "از راهی دولت نظامی او رافعه کرد. شورویست با رنگ حال جدیدی است که از آستین ارتجاع سلطنتی به زمین زده شده است. از پشت سر این جیمز تانگ دیدیم با سیه امپریالیسم با تکی کلا به جسم می خورد. کلاهی زود بردارید با پانوشل وطنی انواع آزادی ها و اصابت با زبانی رنگارنگ را در انبیا ن خود دارد.

از خود دو ماه پیش که انقلاب گسترده ایران با موج های همگین و فوین خود سدهای استبداد و مواضع امپریالیسم را یکی پس از دیگری درهم کوبید. در میان انواع تشبیرات و شور و خیز با زبانی که امپریالیسم برای نجات رژیم لرزان و بی دورنمای شاه و مواضع ثانویه ای خود به کار برد طرح بود و وجود داشت که خیزگاری یونان ضد پری و رادیکالی لندن و مسکو، با مبارزات تقریباً مشابهی آن را چنین وصف کردند:

"عوامل واشنگتن با پاره های زغالان رژیم شاه

در تهران تماس گرفته اند".

و معجزه نخست وزیر آزادیخواه جدید که با ساز و دهل گوشه های ترین تبلیغات پشیمان زنده در دستورال ترین لحظاتی که حکومت نظامی، دولت ژنرال ها و امپریالیسم و پانگانه آن، دربار، زیر پرده است توانایی بزرگترین جنبش انقلابی ایران کمر خرم کرده بودند به این ترتیب به منقطع ظهور رسید.

برای این که دیو و ارباب صحنه از هر چه نیست کامل طبیعی به نظر آید، تشبیر و جاه به جایی برخی مهره های شناخته شده و روسا ضروری می نمود. کنار گذاشتن شیطانک خونریزی نظیر ارتش و امپریالیسم یعنی در مدارهای غمخه شب بازی جدید امپریالیسم - بختیار بود. سرفروختن شاه به خارج از کشور نیز - که به زودی اعلام خواهند شد - دیگر نیست ...

پنجاهتاریا های وهی و پورش تبلیغاتی، سیه باقی ای به میدان آمده، اوبه بیباکی خودش در پشت جملات رها و دهان پرکن و منطق های ژرمنی است، تا چهره سازگاری بگردد ای جدید را که بر سر خون همها هزار شهید با دشمنان آنها به معامله نموده بود، بیوشتاند. او در سخنانی که بیشتر از آنچه مفروض محتوات داشته باشد، پوسته و رنگ و لعاب داده است از هر چه که لازم است سخن گفت، تا همه آن پوپل های را که از بیخ است، نگویید، نخست وزیر جدید به اصلاح خودش را به کوچکی علی چه زود پشینه در گوش کرد، تا نعره شک و آرزو و زمینی میلبون ها قیام کرده سوگوار شد و با شمارهای سوزان و صحنه های که چنانچه خود شاه را به مثابه شوخ امپریالیسم و جزو با لای سرخ و رژیم سلطنتی استبدادی را به عنوان سدها هرگونه تحول و حرکت و شکست، آماج قرار داده است، نشود. او در حرف ها و وعده هایش که با سرخاب و سیداب عوا مرفعی فلیفی آریش شده بود، دربار واقع شاه و دربار که سرچشمه و علت جنایات و پلیدی ها و طاعون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میهن ما است، مطلب روشنستی و تکلیف به مجلسین که مفا هرچنین دورا یکجاست و فلقان و سقوط اند، اشاره نکرد، ساواک را که ابزار اصلی دیکتاتوری و تشبیر و گانگترینیسم سیاسی است، زیر لای فلیفی "انضباط" در واقع حفظ کرد و ما هم های نویسن این پوشتاند، ارتش را با وجود جلوه های بارز ضد خلقی اش و وجود آن که به سیه و بی آزادی امپریالیسم و استبداد ایران چیسره است و به صورت سرسبز پهنه ای، سینه مردم را نشان گرفته، تشبیر کرد، ساله حضور همها هزار گانش را به نظر میبویست و سوسی امپریالیسم را که بر سرش مواضع گمبیدی استکاد ایران چیره اند، مگسوت گذاشت. او برده استکاد کوشه آمیز فوین را به روی این زگیل ها و جوش های چرکین که سیمای ایران را گذر کرده کشید، تا با مریکه گیری برای رژیم شاه، آن را از سقوط برهاند. اما سرگردم و شوتهاری که با شاعر خون و جان به مملکت آمده اند و فوج فوج در برای ست استبداد و امپریالیسم به خاک و خون می فلتند، با بلوغ سیاسی اطمینان بخشی این دلای می مویع و خروسی می عمل را جواب می کنند. آنها می پرسند: این چگونه نیست وزیر است که در میان امپلیون کارگزاران است، ده میلیون سوزان دانشجو و محصل ۴۰۰ هزار معلم و استاد که در دستگ رژیم اعتصابی اند، میلبون ها روستایی و کشاورز، میلبون ها کارمندان و روشنفکر و روزنامه نگار رهنمندان و تاجرو کاسب که به جنگ خونین با رژیم استبداد و ما میبویست آن بر خاسته اند، کمترین پانگانه و پشوتانه ای ندارد؟ این چگونه صدرا نظمی است که ارتشش برای او تیره نوردن می کند. اگر آن های قدرت رژیم به چشم بد فو خارجی که با بد چند صیای محصل شده، به او می نگرند، و در باره مشابه آقا بالا سر همه گاره به با پیش گرفته اند؟ جز این است که این قلب مصنوعی طبل به سوسومیه حاجت امپریالیسم در سینه رژیم کار گذاشته شده است از فلاح و فریبه فاد آن را از نظر کارگزاران میباید بزرگ دارد؟

دولتی که تنها یک سلب بر یک طبقه با فشرده وند اجتماعی، بلکه با سرانگشت سیاست های ورگشته و از مصلحتی صحنه می آید، آیا نمی تواند هر وقت که لازم آید، با تمام سولت و نفی سرانگشت تشبیر از سازگاری گذشته شود؟ چنین دولتی چگونه می تواند مجری سیاست های واقعا ملی باشد و به عمیق ترین و مبرم ترین خواست و آرزوی جنبش یعنی قطع شراب

مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

مردم ایران مرده است. با بدین حسدگندیده راه

بخش چهارم از برنامه حزب توده ایران

برنامه حکومت ملی و دموکراتیک ایران

۱- اصلاحات سیاسی

الف- تحول در سازمان دولتی

۱- جمهوری ملی دموکراتیک ایران به چهجه متعهد نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه یعنی کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر (پیشهوران و کسبه)، روشنفکران میهن پرست و مترقی و فترهای ملی بورژوازی تکیه می کند بر اساس اتحاد و طلبانه پیوستگی طبق های ایران بومنهائی برای تشکیل می گردد.

۲- سازمان دولتی و حاکمیت ملی در جمهوری ملی دموکراتیک ایران مبارز است از:

الف- مجلس نمایندگان مردم ایران هالسی ترین مقام قدرت دولتی در جمهوری ملی دموکراتیک ایران است که در آن نمایندگان منتخب کلیه طبق های ایران شرکت می کنند. قانونگذاری و انتخاب به هیئت دولت، نظارت بر اعمال دولت و انتخاب بر رئیس جمهور کشور و وظایف مجلس است. ب- مقامات حاکمه محلی می رشتند از نجمن های استان، شهرستان، بخش و ده که بر سر این شرکت توده های وسیع مردم در اداره امور کشور انتخاب می گردند.

۳- باید در تقسیم بندی کشوری بر پایه طبیعت گینه مناطق مختلف کشور بر اساس اصول دموکراتیک حدبدر نظر گرفته شود هر واحد ملی مجلس ملی برای اعمال حق خودمختاری تشکیل شود.

۴- نمایندگان مجلس و کلیه مقامات حاکمه محلی از طرف مردم برای عمومی، مساوی، مستقیم و مخفی انتخاب می شوند. ۵- حکومت ملی و دموکراتیک استقلال فغانی را بر اساس اصول دموکراتیک و انتخابی بودن قسقات تا مین خواهد کرد.

۶- مین ما باید دارای نیروهای مسلح فغانی و تا مین دموکراتیک باشد. نیروهای مسلح کشور ما باید بر مبنای آزادی خلق باشد نه مبری آزادی دشمنان وی. بدین منظور باید ارتش و نیروهای تا مین از کلیه عناصر ارتجاعی و عمده امپریالیسم تفرقه و در سازمان آنها تجدید نظر شود. باید افسران درجه داران و افسرانرو های مسلح ایران از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی مانند دیگر هموطنان خود برخوردار شوند و امکان انجام وظایف خود را در ارتش ملی و دموکراتیک به نحو شایسته داشته باشند.

ب- تحکیم حاکمیت ملی

۱- دفاع از تمامیت ارضی، تا مین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور. ۲- امانی قرار دادهای غیرممنوعی اقتصاد، سیاسی و نظامی و سایر موارد که به وسیله امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی سرکشورما تحصیل شده.

۳- خاتمه دادن به سلطه، غارت و مداخلات انحصاری دولت های امپریالیستی در کشور. ۴- پایان دادن به سیاست هم پوندی با امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، مالی، سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و غیره. ۵- گوش برای استفرار روابط دوستانه و همکاری با هر طبقه در کلیه کشورها و جهان. ۶- دفاع از طبع جهانی و اجرای اصول همزیستی مساومت آمیز.

۷- همبستگی با زحمتکشان کلیه کشورهای و جنبش های انقلابی، راه های پیش و مترقی.

۸- استفرار روابط دوستی و همکاری صمیمانه با همسایه بزرگ مانند شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه مانع مشترک استقلال و آزادی میهن ما در مقابل تحریکات و تحسارات امپریالیسم و اعمال آن وسیله نیرومندترقی ما و ممنوعی کشور.

ج- تا مین حقوق و آزادی های دموکراتیک

۱- امانی کلیه قوانین، مقررات و منحل کرده سازمان های ملی که با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق منافات دارد. سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) که عمده ترین وسیله سرکوب خلق از طرف ارتجاع و امپریالیسم است، باید منحل گردد و اعمال جنایتکاران مجازات شوند.

۲- تا مین آزادی عقیده، دین، بیان، طبع و مطبوعات، اجتماعات، احزاب، نظارات، سکونت مسافرت، انتخاب شغل، آزادی دفاع در محاکم و معوضت های فردی از قبیل معصیت شخصی و منزلت. ۳- تا مین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد کشور که به سن ۱۸ سال رسیده اند و حق انتخاب شدن برای کلیه افرادی که به سن ۲۵ سال تمام رسیده اند، صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل و میزان ثروت در کلیه

مقامات انتخابی. ۲- شناسایی حق کامل تشکیل اتحادیه های کلیه کارگران و زحمتکشان شهروند و مخالفت دادن واقعی اتحادیه های در کلیه امور کسبه مربوط به فعالیت تولیدی، شرایط کار و زندگی زحمتکشان است. ۳- تا مین حق امتضا به برای کلیه زحمتکشان شهروند. ۴- تا مین تناوی واقعی حقوق زن و مرد در جامعه و خانواده.

د- حل مسئله ملی

حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک ایران نظر دار اتحاد خلق های ایران بر سر بنیاد حاکمیت ملی است و متفاد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی و منسوی بین خلق های ایران بر اساس برابری دوستی با به دست ملی ریشه کن شود. بنا بر این این حکومت در مورد حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد: الف- تا مین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرخوش خود می. ب- شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخورد کردن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

۲- تحول اقتصادی

۱- تا مین تکامل سالم، سریع و همه جانبه اقتصاد کشور بر پایه همکاری به سوی سوسیالیسم. ۲- تحرک رفته های کلیه صنعت، بانکداری و بیمه و بازگانی خارجی در دست دولت. ۳- دامن بخش دولتی در خدمت خلق و تا مین رشد پیگیر آن در کلیه رشته های اقتصاد. ۴- ملی کردن موسسات متعلق و وابسته به انحصارها و دولت های امپریالیستی، ملی کردن بانک ها و موسسات بیمه، معادله اموال خاندان پهلوی و سایر مؤسسات به خلق و میهن. ۵- اجرای تمام و کمال قانون ملی کردن صنعت نفت در برابر کشور، کوتاه کردن دست انحصارهای امپریالیستی از صنایع و منابع نفتی، جلوگیری از بهره برداری نابردانه از این منابع گران بها. ۶- به کار بستن اصول برنامه و بهزی و مصرفی علمی در سازمانها و اداره رفته های مختلف اقتصاد کشور. ۷- صنعتی کردن کشور، گسترش صنایع سنگین و سبک، استفاده از آخرین دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما بر اساس امکانات و شرایط علمی و واقعی جامعه ما. ۸- استفاده بهر دانه از ثروت های طبیعی کشور به کار بستن صنعتی ترین شکل استفاده از منابع نفت و گاز.

۹- معادله زمین های متعلق به زمین داران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، با هر کردن زمین های با بیرو حوات و هرگونه زمین قابل کشت به منظور تا مین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین، تعیین مالکیت دهقانانی کمک همه جانبه به ایجاد شرکت های تعاونی تولیدی دهقانی مجهر به تکنیک و شیوه علمی تولید، تا مین و تسهیل اعتبارات دولتی بسیاری دهقانان. ۱۰- گسترش شرکت های تعاونی فروش و معرف به سوددهانان، گسترش تولیدگزار و زری و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی، به کار بردن کلیه وسائل و امکانات لازم برای حل مسئله آب، انما و ام ها، ابقاظ زمین و دیگر متعلقاتی که توسط مالکان و دولت فیه دهقانان به عمل آمده.

۱۱- بسط همه جانبه بازگانی داخلی و کمک موثر به خلق آن به منظور توسعه و تحکیم بازگانی. ۱۲- استفرار بازگانی خارجی بر اساس انصاف دولتی، برابری و سودمقابل و تا مین و تحکیم استقلال کشور و رشد اقتصادی آن. ۱۳- تجدید نظر در توزیع درآمد ملی بر مبنای اصول زیر:

۱- تنظیم و تعدیل بودجه دولت با توجه به اصل اولویت های اقتصاد برای تا مین استقلال و ترقی کشور و خدمت به طبع، حذف هزینه های ناسا متناسب و سنگین نظامی و تبلیغاتی و شعبه های هزینه های اداری. ۲- افزایش سهم انباشت، حذف کلیه مصارف زائد، تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد و فرهنگ کشور. ۳- اصلاح عمیق سیستم مالیاتی به سود زحمتکشان بدی و فکری شهروند. ۴- بالابردن سطح زندگی مردم و به ویژه زحمتکشان و طریقی افزایش سطح آنان از در آمد ملی در مصارف اجتماعی و خصوصی.

۳- اصلاحات اجتماعی

کار، دستمزد، حقوق ۱- تنظیم قانون کار بر مبنای دموکراتیک. ۲- تا مین اشتغال به مثابه حق مسلم افراد کشور و زمین بودن بیکاری و نیمه بیکاری سراسر کشور. ۳- تا مین دستمزد و حقوق متناسب با کار و روحانی ضروری مادی و معنوی زحمتکشان بدی و فکری و توانه های آنها با توجه به شواحات هزینه زندگی (اشغال مضرک). ۴- برقرار کردن مزد مساوی در مقابل کار مساوی نظر نظر از جنسیت و سن و جلوگیری از کمسار کودکان. ۵- تا مین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان. ۶- پرداخت مدمعاش به کارگران و کارمندان محصل به نسبت کارها و توانه. ۷- تقسیم صحیح کار در ادارات، تفریح بر اساس آزموگی، سابق خدمت و کیفیت کار، تجدید نظر در قوانین اشتغال بر مبنای دموکراتیک. ۸- تعیین حداکثر ۴۸ ساعت کار در هفته در کلیه رشته های تولیدی و اداری و ۳۵ ساعت در هفته در صنایعی که وضع کار دشوار و زیان آور برای تندرستی و بهداشت کارگران است. تعیین یک و یا دو روز تعطیل هفتگی به تناسب سنگینی و وضع کار با استفاده از دستمزد و حقوق. ۹- تا مین دو تا سه هفته مرخصی در سال بسا استفاده از حقوق برای همه زحمتکشان ۴ ماهه مرخصی با دریافت حقوق برای زنان زحمتکش قبل و بعد از زایمان طبق مقررات مصوب.

بیمه های اجتماعی و بهداشتی ۱- تعیین و اجرای قوانین مترقی بیمه های اجتماعی به سود کلیه زحمتکشان و خانواده های آنها، تا مین خدمت پزشکی مجانی و دارو رایگان برای زحمتکشان. ۲- ایجاد دانشگاه و وسیع درمانگاه ها، بیمارستان ها و داروخانه های دولتی مجهزه و شامل مدرن کارخانسان در همه نقاط کشور. ۳- ایجاد دانشگاه و وسیع از آسپتخانه ها، زایشگاه ها، شیرخوارگاه ها. ۴- دادر نمودن موسسات مخصوص جهت نگاهداری معلولان و سالخوردهگان تنها و بدون خانسواد، تا مین بنگاه های مخصوص برای جلوگیری از بیماری های بومی و صوری.

فرهنگ ۱- رایگان ساختن آموزش و پرورش در کلیه مراحل آن (از ابتدایی تا عالی) در سراسر کشور، اجرای آموزش ابتدایی همگانی و اجباری. ۲- صرف کمبود شده بودگستان ها، دبستان ها، و دبیرستان ها، ایجاد دانشگاه و وسیع آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها، دانشکده ها و دانشگاه ها در سراسر کشور، توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق که از طرف دولت ارتجاعی عقب مانده نگاهداری شده اند. ۳- تا مین مراکز ورزش و تفریحات سالم در شهرها و روستا ها برای جوانان. ۴- پرداخت کمک هزینه از طرف دولت به فرزندان کارگران و کشاورزان و سایر زحمتکشان بدی و فکری کم درآمد در کلیه آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها و مدارس عالی. ۵- ایجاد دستمزد فرهنگی ملی برای خلق ها و اقلیت های ملی و تا مین آموزش به زبان مادری در کلیه مراحل تحصیلی، تا مین اعتبار و وسایل لازم برای رشد و تکامل فرهنگ ملی خلق های ایران. ۶- ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع موسسات پژوهشی علمی، فراهم نمودن شرایط لازم برای کار و رشد آنها و شرایط کار و تمدن به نفس دانشمندان. ۷- کمک موثر به توسعه و رشد مطبوعات و انتشارات دموکراتیک. ۸- تا مین شرایط لازم برای رشد رشته های گوناگون آفرینش هنری، موسسات هنری و وظایف هنرمندان. ۹- تا مین کتابخانه ها و قرائت خانه های دولتی عمومی در سراسر کشور و رشد و توسعه و تا مین استفاده رایگان از آنها.

سکن و نوسازی ۱- احداث و تا مین سکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زحمتکشان شهروند با کمک دولت و نیز با کمک موسساتی که این زحمتکشان در آنها به کار مشغولند. ۲- نظلیل اجاره بهای سکن، موسسات و دکان ها. ۳- تنظیم و اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستا های ایران به منظور ترمیم رفاه و زندگی بسا فرهنگ همگانی. ۴- ساختن تدا بهر سبب و موثر برای ریشه کن کردن یک طبله معما به و سلبای اجتماعی معنی مانند زخوه خواری، اختطی، احتکار، ربا خواری، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، فحشا و اتواهمیگر فساد اجتماعی.

سرکونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست هموم جنبش انقلابی مردم ایران است